# 941106-692‌‌‌

**‌‌‌‌‌‌‌سه‌شنبه – جلسۀ 66**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

یک مطلب از بحث گذشته باقی مانده عرض کنم.

ما برای خنثی‌ی طبیعت ثالثه نیست اما رجل واقعا او انثی واقعا، در جایی که اگر مرد باشد متعین هست بر او حلق و اگر زن باشد متعین است تقصیر، مثل ملبد یا معقوص یا صرورة بنا نظر مختار،‌ گفتیم و لو ابتداءً مخیر است بین انتخاب حلق یا انتخاب تقصیر؛ چون هر کدام دوران امر بین محذورین است واجب با حرام مشتبه شده. اگر حلق کند شاید زن است؛ و حلق بر زن حرام ذاتی است قبل از خروج از احرام؛ چون اخذ الشعر قبل از تقصیری که شرعا سبب خروج از احرام هست حرام است و لذا این حلق بر این زن حرام است چون مصداق اخذ الشعری است که موجب تحلل از احرام نیست. حرمت تشریعیه ندارد؛ بگوییم یعنی به قصد امر اگر حلق بکند نامشروع است تا شما اشکال کنید به قصد احتیاط حلق می‌کند؛ او چرا نامشروع باشد؟ نخیر. حرمت ذاتیه دارد؛ به این معنا که به عنوان حلق ممکن است حرام نباشد بر این زن اما عنوان اخذ الشعر علی المحرم حرامٌ، به این عنوان،‌ حرام است. و اگر هم برود تقصیر کند شاید مرد است و مردی است که یجب علیه الحلق تقصیر بر او حرام است. پس می‌شود اشتباه واجب به حرام.

اما ما گفتیم وفاقا للسید الخوئی یک علم اجمالی دیگری دارد که یا بر من طبیعی الحلق واجب است اگر مرد باشد نه ابتداء الحلق. کار به ابتداء الحلق نداریم. طبیعی الحلق و لو حلق بعد التقصیر. و یا طبیعی التقصیر واجب است اگر زن باشد و لو تقصیر بعد الحلق. و این علم اجمالی منجز است؛ چون امکان موافقت قطعیه‌اش هست. اول یکی از این دو را انتخاب کند از باب دوران الامر بین المحذورین و تخییر در آن، هر کدام را اول انتخاب کرد بعدا آن عدل دیگر را هم انجام می‌دهد که یقینا عدل دیگر حلال است. بعد از حلق تقصیر یقینا حلال است چه زن باشد چه مرد. و بعد از تقصیر هم حلق بر او قطعا حلال است چه زن باشد چه مرد. آن عدل اول را از باب تخییر در دوران الامر بین المحذورین انتخاب می‌کند عدل دوم را هم که طرف علم اجمالی وجوب هست اما طرف علم اجمالی حرمت نیست او را هم انتخاب می‌کند می‌شود موافقت قطعیه علم اجمالی.

[سؤال: ... جواب:] حرمت حلق بر زن محرمه از باب این است که لایجوز اخذ الشعر فی حال الاحرام.

یک احتمالی در کلام آقای خوئی هست آن را هم عرض کنیم که آقای خوئی علم اجمالی را که سبب قرار داد برای این‌که بعد از انتخاب حلق یا تقصیر آن عدل دیگر را هم باید انجام بدهد بسبب العلم الاجمالی احتمال دارد مراد علم اجمالی دیگر باشد. چطور؟

وقتی این خنثی محرم شد علم اجمالی دارد یا بر او تقصیر واجب است اگر زن باشد یا لبس خف و جورب حرام است اگر مرد باشد. این علم اجمالی منجز، است. یا زن است فیجب علیه التقصیر فی الحج یا مرد است نگویید فیجب علیه الحلق؛ بگویید فیحرم علیه لبس الخف و الجورب که هیچکدام دوران الامر بین المحذورین نیست هیچ عدلش. از طرف دیگر نسبت به حلق می‌گوییم: یا مرد است حلق بر او واجب است یا زن است ستر الوجه در حال احرام بر او حرام است. این هم منشأ تنجز وجوب حلق می‌شود که علم اجمالی که سبب وجوب حلق یا وجوب تقصیر شده یک علم اجمالی است که هیچ طرفش مورد دوران امر بین المحذورین نباشد. آن هم می‌شود. اما نیازی به نظر ما نیست به این مطلب. همان علم اجمالی به وجوب حلق یا تقصیر منجز است. نیازی به تصویر علم اجمالی دیگر نیست. آنی که دوران الامر بین المحذورین است ابتداء الحلق یا ابتداء التقصیر است که مشتبه است بین واجب یا حرام. اما آن علم اجمالی منجز این است که یا طبیعی الحلق بر این خنثی واجب است یا طبیعی التقصیر. اگر مرد است طبیعی الحلق واجب است؛ چون صرورة هست. اگر زن است طبیعی التقصیر واجب است. و موافقت قطعیه این علم اجمالی ممکن است؛ پس واجب می‌شود موافقت قطعیه آن.

در رابطه با مسئله 407 فرمود: اذا حلق المحرم او قصّر حل له جمیع ما حرُم علیه بالاحرام ما عدا النساء و الطیب بل الصید ایضا علی الاحوط.

فرمود که با حلق یا تقصیر جمیع محرمات احرام حلال می‌شود غیر از نساء و طیب صید تا ظهر روز سیزدهم به احتیاط واجب حرمتش باقی می‌ماند. صیدی که به سبب احرام حرام شده و الا آن صیدی که در حرم به سبب حرم، صید الحرم، حرام هست او که اختصاص به محرم ندارد. تا در حرم هستی حرام است بر تو صید الحرم. بل الصید ایضا علی الاحوط یعنی آن صیدی که به سبب احرام حرام شده. این هم بنابر احتیاط واجب تا ظهر روز سیزدهم حرمتش باقی می‌ماند.

راجع به این‌که حلیت محرمات احرام غیر از نساء و طیب توقف دارد بر حلق و تقصیر صدوقین (پدر صدوق و خود صدوق) مخالفند. صدوق در من لایحضره الفقیه می‌گوید اذا رمیت جمرة العقبة حل لک کل شیء الا النساء و الطیب. با رمی جمره عقبه حلال می‌شود همه چیز غیر از نساء و طیب و لو قبل از حلق و تقصیر بلکه قبل از ذبح.

در مختلف هم علامه از رساله پدر صدوق همین را نقل می‌کند که پدر صدوق در رساله‌اش این مطلب را گفته است.

در فقه الرضا هم مضمون این مطلب هست که بعضی مثل آقای سیستانی نظرشان این است که فقه الرضا همان رساله والد صدوق است. ما خدمت ایشان عرض می‌کردیم که دراین فقه الرضا مطالبی هست که به پدر صدوق نمی‌خورد. سألت ابی العالم، این‌که به پدر صدوق نمی‌خورد این حرف. مضمون سخنان ایشان این بود که بخشی از فقه الرضا اضافه شده بر رساله صدوق؛ اصلش رساله صدوق است؛ و رساله صدوق را ایشان فرمودند ما قسمتی‌ از آن را دیدیم موافق با همین فقه الرضا است. یک اضافاتی هم البته شده به این فقه الرضا.

[سؤال: ... جواب:] حالا بالاخره بر این رساله والد صدوق اضافاتی شده اگر فقه الرضا همین رساله والد صدوق باشد.

[سؤال: ... جواب:] می‌گوید علی بن موسی همین علی بن موسی بن بابویه است. صدوق، محمد بن علی بن موسی است. پدر صدوق، علی بن موسی است. فقه علی بن موسی. حالا این‌ها تخمین است. بعد گفتند این علی بن موسی، امام رضا است. شایع شد فقه الرضا. و الا این فقه همین علی بن موسی بن بابویه است. حالا این یک احتمالی است. بعضی ها احتمال می‌دهند همان کتاب تکلیف شلمغانی باشد که اگر آن هم باشد باز باید بگوییم یک چیزهایی اضافه شده بر او. مهم نیست.

مشهور استدلال کردند بر توقف حلیت محرمات احرام بر حلق و تقصیر به روایاتی مثل صحیحه معاویه بن عمار اذا ذبح الرجل و حلق فقد احل من کل شیء احرم منه الا النساء و الطیب.

این دیگه واضح است که سبب حلیت محرمات احرام را هم ذبح می‌داند هم حلق. اصلا رمی را مطرح نکرده. البته عادةً انسان ملتفت بخاطر رعایت ترتیب اول رمی جمره عقبه می‌کند ولی اگر عاجز بود از رمی جمره عقبه یوم العید، یا توجه نداشت ذبح و حلق کرد یادش آمد که رمی جمره عقبه نکرده حالا نسیانا جهلا، طبق این روایت، احل من کل شیء. اذا ذبح و حلق احل من کل شیء.

جالب این است که آقای خوئی که این روایت را مطرح می‌کند به عنوان دلیل مشهور خودش از کسانی است که می‌گوید: با حلق یا تقصیر و لو بدون ذبح، تمام محرمات احرام حلال می‌شود؛ الا الطیب و النساء و لو ذبح نکرده باشد. مثل کسی که روز عید قربانی پیدا نکرد یا نتوانست در منی ذبح کند گفت روزهای دیگر ذبح می‌کنم. آقای خوئی فرموده حلق و تقصیر بکند در روز عید و تمام محرمات احرام بر او حلال می‌شود مگر طیب و نساء. ذبح نکرده فدای سرش. اما طواف که می‌خواهد بکند حتما بگذارد بعد از ذبح طواف کند. چون روایت داریم که نباید قبل از ذبح طواف بکند. اما محرمات احرام بر او حلال می‌شود. خب این روایت را که خود شما مطرح می‌کنید دارد: اذا ذبح الرجل و حلق؛ شرط حلیت محرمات احرام هم حلق است هم ذبح. بهرحال این دلیل بر قول مشهور است.

روایات دیگر هم داریم که بعضی از آن، سندا ضعیف است بعضی از آن هم دلالت جای بحث دارد:

مثلا روایت محمد بن عمر عن محمد بن عذافر عن عمر بن یزید، این سندا گیر دارد. إعلم انک اذا حلقت راسک فقد حل لک کل شیء الا النساء و الطیب. دلالت خوب است ولی سند گیر دارد.

روایت دیگر سرائر از کتاب نوادر بزنطی نقل می‌کند از جمیل بن دراج: قلت لابی عبدالله علیه السلام: المتمتع ما یحل له اذا حلق راسه؟ قال کل شیء الا النساء و الطیب. قلت فالمفرد؟ قال کل شیء الا النساء. ثم قال و آل عمر یقول الطیب. یعنی عمر می‌گفت حج افراد هم با حلق و تقصیر همه چیز حلال می‌شود مگر نساء و طیب مثل حج تمتع. عمر این‌طور می‌گفت. ولی ما معتقدیم که نخیر. در حج افراد با حلق و تقصیر طیب هم حلال می‌شود بر خلاف حج تمتع. و لذا فرمود در حج افراد یحل کل شیء الا النساء؛ طیب را نفرمود. بعد فرمود و آل عمر یقول و الطیب. عمر می‌گفت طیب هم حلال نمی‌شود در حج افراد با حلق و تقصیر. و لانری ذلک شیئا. سخنان او شیی نیست.

[سؤال: ... جواب:] ما سند مستطرفات سرائر را قبول داریم. نوادر بزنطی چه شیخ طوسی نقل کند از او چه صاحب سرائر فرقی نمی‌کند چون سند به نسخه که شیخ طوسی هم نداشته. سند به عناوین کتب بوده؛ این کتاب هم از کتب مشهوره است. ما اشکال نمی‌کنیم. ولی مشهور اشکال می‌کنند. آقای خوئی مثلا اشکال می‌کند.

برخی از روایات هست از ارتکاز سائل باید مطلب را بفهمیم که با حلق و تقصیر محرمات احرام حلال می‌شود. یکی صحیحه منصور بن حازم است: سألت اباعبدالله علیه السلام عن رجل رمی و حلق ا یاکل شیئا فیه صفرة؟ قال لا حتی یطوف بالبیت و سعی بین الصفا و المروة. منصور بن حازم می‌گوید پرسیدم از حضرت کسی رمی کرد و حلق کرد اکل طیب بکند؟ اکل زعفران؟ فیه صفره یعنی زعفران. اکل زعفران بکند؟ حضرت فرمود نخیر. اول برود طواف و سعی بکند بعد.

این در ارتکازش بوده که با حلق محرمات احرام حلال می‌شود و لذا گفت رمی و حلق. اینجا به ارتکاز سائل باید پناه ببریم. و لذا جای این اشکال پیش خواهد آمد که امام ملزم بود ارتکاز سائل را تصحیح کند. حالا اگر واقعا حکم شرعی این است که با رمی جمره عقبه محرمات احرام حلال می‌شود، ولی سائل برایش یا روشن بود که حلق سبب حلیت محرمات احرام است یا از باب قدر متیقن گفت رجل رمی و حلق. لزومی دارد امام تصحیح کند سؤال او را؟ بفرماید دقیق‌تر سؤال کن! رجل رمی، حلق که دخالت ندارد در حلیت محرمات احرام. انصاف این است که این‌طور الزام کردن امام علیه السلام به این‌که ارتکاز سائل را تنظیم کند، این به نظر ما بلاوجه است.

[سؤال: ... جواب:] خیلی کارها کرده؛ از مشعر به منی هم آمده. ... همین را عرض کردم که یا در اصل ارتکاز مناقشه کنید بگوییم ندارد؛ ممکن است از باب قدر متیقن این را أخذ کرده. نه از باب ارتکاز. و اگر هم از باب ارتکاز بود روشن نیست که حالا امام ارتکاز او را ردع نکند یعنی قبول دارد ارتکاز او را. جاهای دیگر اگر ارتکاز سائل را ردع نکند به خلاف واقع می‌افتد به خلاف تکلیف می‌افتد. اینجا که به خلاف تکلیف نمی‌افتد. حالا فکر کند به رمی جمره عقبه هنوز محرمات احرام بر او حلال نشده. صبر کند بعد از ذبح و حلق لباس احرام را در بیاورد؛ لباس مخیط بپوشد. این‌که به خلاف تکلیف نمی‌افتد. مخصوصا اگر کارش افضل هم باشد که اصلا مراعات افضل هم شده.

روایت دوم که با ارتکاز سائل استدلال می‌شود صحیحه علاء: قلت لابی عبدالله علیه السلام تمتع یوم ذبحت و حلقت. این‌طور ظاهرا هست: تمتعت؛ یوم ذبحت و حلقت، افاخلط راسی بالحنّاء؟ من امسال حج تمتع بجا آوردم؛ روز حلق و ذبح یعنی بعد از ذبح و حلق جائز است حنا بمالم بر سرم؟ قال نعم. من غیر ان تمس شیئا من الطیب. أ فالبس القمیص؟ افاغطی راسی؟ قال نعم. اینجا هم گفته می‌شود که ارتکاز سائل این بود که قبل از ذبح و حلق جائز نیست حنا مالیدن بر سر؛ چون زینت است؛ المحرم لایتزین.

[سؤال: ... جواب:] یوم ذبحت و حلقت یعنی تازه متمتع شدم؟ ... نه؛ یعنی به مجرد حلق رفته متعه کرده؟ آن‌وقت خیلی بد می‌شود هنوز طواف و سعی و طواف نساء را نکرده... تمتعت یعنی حج تمتع بجا آوردم. ... تمتعت؛ یوم ذبحت و حلقت أ فاخلط راسی بالحناء؟ ... دیگه معنای روایت این باید باشد‌طور دیگری نمی‌شود معنا کرد. شما بردید به بحث متعه؛ ربطی به آنجا ندارد.

این هم شد تمسک به ارتکاز سائل. و الاشکال هو الاشکال.

[سؤال: ... جواب:] این‌که اشکال ندارد. تزین بر محرم حلال است بعد از ذبح و حلق. مس طیب حرام است. تا طواف و سعی نکرده متمتع نباید مس طیب بکند. ولی قبل از طواف و سعی طیب بر متمتع حرام است. این‌که روایات متعددی داریم. استدلال این است که ارتکاز سائل این بود که با حلق و ذبح محرمات احرام حلال می‌شود؛ و لذا گفت ذبحت و حلقت أ فاخلط راسی؟ که این هم عرض کردم که الاشکال هو الاشکال. شاید سائل اخذ به قدر متیقن کرد؛ چون روشن نبود برایش قبل از آن محرمات احرام حلال می‌شود. ثانیا: ارتکازش هم این بود که حلال نمی‌شود حالا امام معتقد است که حلال می‌شود با رمی جمره عقبه. نیازی ندارد که ردع کند از این ارتکاز.

روایت سوم که تمسک به ارتکاز سائل می‌شود صحیحه سعید یسار است: سألت اباعبدالله عن المتمتع اذا حلق رأسه یطلیه بالحناء؟ قال نعم الحناء و الثیاب و الطیب و کل شیء الا النساء که این از روایاتی است که طیب را حلال کرده بر متمتع به مجرد حلق.

باز هم روایت دیگر معتبر اسحاق بن عمار است که این هم به ارتکاز سائل تمسک می‌شود: سألت اباابراهیم علیه السلام عن المتمتع اذا حلق رأسه ما یحل له؟ متمتع وقتی حلق راس کرد چه چیزی بر او حلال می‌شود؟ فقال کل شیء الا النساء.

این گفته می‌شود که ظاهر جواب امام این است که اذا حلق رأسه یحل له کل شیء الا النساء ظاهر این‌که امام در سؤال سائل این‌طور فرمود این است که قبول کرد که حلق راس سبب حلیت است.

ولی باز عرض می‌کنم این، اشعار دارد به این مطلب؛ اما اگر یک دلیلی آمد گفت رمی جمره عقبه بکنی حل لک کل شیء، در مقابل آن دلیل، مقاومت نمی‌کند. چون یکی می‌آید می‌گوید متمتع اگر حلق راس کرد چه چیزهایی بر او حلال می‌شود؟ بفرماید هر چیزی مگر نساء...

[سؤال: ... جواب:] سائل این‌طور گفته. ... نه؛ اگر یک روایتی بیاید بگوید اذا رمیت جمرة العقبة حل لک کل شیء تعارض نمی‌کند با این روایت. ... امام که اخذ نکرد قید حلق راسه را؛ اسحاق بن عمار گفت. ... می‌گوید متمتع وقتی حلق راس کرد چه چیزی بر او حلال می‌شود؟ حضرت فرمود هر چیزی الا النساء. این روایت را من قبول دارم ظهورش در این است که چون جمله را ناقص فرمود امام جمله سائل بر سرش در می‌آید یعنی اذا حلق راسه یحل له کل شیء الا النساء ولی آنقدر ظهورش قوی نمی‌شود که در مقابل روایتی که می‌گوید اذا رمیت جمرة العقبة حل له کل شیء مقاومت بکند. ... بحث قوت ظهور است. بر خلاف روایتی که می‌گوید اذا رمیت جمره العقبه حل لک کل شیء، یک روایت دیگر بگوید اذا حلقت حل لک کل شیء. آنجا با هم تعارض می‌کنند.

روایت دیگر که این هم ارتکاز سائل است محمد بن خالد الطیالسی عن العلاء قلت لابی عبدالله علیه السلام اذا حلقت راسی و انا متمتع أطلی راسی بالحناء؟ قال نعم.

این باز همین ارتکاز سائل هست که حالا ممکن است بگوییم اولا کی می‌گوید ارتکاز بوده؟ شاید مورد ابتلاء حنا مالیدن بعد از حلق رأس است. می‌گوید من حلق راس کردم نیاز هست حنا بمالم که مشکلی پیدا نکند سرم یا الان دیگه وقت حنا مالیدن است، آیا می‌توانم حنا بمالم؟ اصلا معلوم نیست که ارتکازش این باشد که حلق راس سبب حلیت محرمات احرام می‌شود نه رمی جمره. بر فرض هم ارتکاز باشد جواب دادیم که سکوت از این ارتکاز کاشف از امضاء نیست؛ چون از این ارتکاز کسی به خلاف واقع خلاف تکلیف الزامی نمی‌افتد.

فقط در این روایاتی که به عنوان ارتکاز سائل ذکر کردیم آن معتبره اسحاق بن عمار دلالتش عرفی است بعد از این‌که امام هم چون جمله ناقصه فرموده سؤال سائل را تقریر کرده اما ظهورش در حدی نیست که مقاومت بکند با دلیل حلیت کل شیء به سبب رمی جمره عقبه.

و لذا باید برویم ببینیم روایاتی که دال بر حلیت کل شیء به سبب رمی جمره عقبه است آن روایات چیست. این‌که آقای خوئی فرموده این روایاتی که ما داریم راجع به این‌که با حلق حلال می‌شود کل شیء این‌ها روایات مشهوره هستند، دیگر هیچ روایتی با این‌ها معارضه نمی‌کند، آقا! کدام روایات مشهوره؟ آقای خوئی مرادش از روایات مشهوره شهرت روائیه است یعنی خبر قطعی الصدور. کدام خبر قطعی الصدور؟ صحیحه معاویة بن عمار است که ظنی الصدور است. بقیه هم بین ضعیف السند و ضعیف الدلالة. این معتبره اسحاق بن عمار صلاحیت معارضه ندارد چون جمع عرفی دارد با آن روایاتی که می‌گوید رمی جمره عقبه سبب حلیت کل شیء می‌شود.

[سؤال: ... جواب:] چه اشکال دارد؟ کسی فکر می‌کند که لهو و لعب حرام است امام نمی‌فرماید که نه؛ لهو حرام نیست، موسیقی لهوی حرام است، اشکال دارد امام سکوت کند؟ یک وقت ظهور حال این است که امام دارد تایید می‌کند یک وقت می‌گویید نقض غرض است، نقض غرض نیست. ... اولا شما کل جامعه را از کجا در آوردید؟ ارتکاز سائل بوده کل جامعه چیه؟ ثانیا چه بدعتی است. ما مثال زدیم گفتیم ارتکاز عقلاء بر لزوم تقلید اعلم است. بخاطر عقلائی بودن این‌طور فکر می‌کنند. شارع اگر تقلید اعلم را واجب نداند، سکوت بکند نگوید به مردم که ایها الناس تقلید اعلم واجب نیست، این نقض غرض است؟ اغراء به جهل یعنی سکوت از بیان این‌که فلان چیزی که فکر می‌کنیدحرام است انجام نمی‌دهید نخیر حرام نیست مکروه است، این اشکال دارد؟ اگر فرزند کسی از شما ریشش را نمی‌تراشد به خیال این‌که حرام هست شما نظرتان این است که مکروه است، باید بروید به فرزندتان بگویید حلق لحیه حرام نیست مکروه است تا او را جرئ بکنید بر حلق لحیه؟ ... بحث سکوت از ارتکاز سائل است. ... بدعت اگر باشد بله. ولی اگر بدعت نیست، فهم‌شان از این آیه و روایت این بوده، امام هم ردع نکند، فهم‌شان این بوده که حرام است در حالی که امام مکروه می‌داند، سکوت کند اشکال دارد؟ چه بهتر که فکر کنند این مکروه حرام است انجام ندهند. شما خودتان این کار را می‌کنید؟ یک بیانیه بدهید مکروهاتی که مردم فکر می‌کنند حرام است و اشتباه می‌کنند. شروع کنید یک لیستی بدهید مردم نمی‌گویند عجب آخوند کج سلیقه‌ای است؟

حالا ببینیم روایاتی که دال بر حلیت کل شیء هست با رمی جمره عقبه این‌ها چقدر صلاحیت دلالت دارد؟ عمده یکی همان فقه الرضا است: اذا رمیت جمرة العقبة فقد حل لک کل شیء. یکی روایت حسین بن علوان است عن علی علیه السلام کان یقول: اذا رمیت جمرة العقبة فقد حل لک کل شیء حرم علیک الا النساء. یکی هم موثقه یونس بن یعقوب است که دارد: رجل أکل فال؟ فیه زعفران بعد ما رمی الجمرة و لم‌یحلق قال لاباس. حالا فقه الرضا سندا ضعیف است. اما این دو روایت سندا هم خوب است. دلالت‌شان هم این است که با رمی جمره عقبه محرمات احرام حلال می‌شود.

ببینیم با این دو روایت چه بکنیم؟ ان شاء الله فردا.